

مجموعه شعر

تنافا

علیرضا صفائی

سرشناسه :	صفایی، علیرضا، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآورنده :	تماشا/علیرضا صفایی.
مشخصات نشر :	جویبار: علیرضا صفایی، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری :	۱۱۰ ص.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۰۸-۱-۸ ربال ۱۵۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
یادداشت :	بالای عنوان: مجموعه شعر.
موضوع :	شعر فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره :	۱۳۸۸ ۷۳۳۳۷/۸۱۳۴۴ PIR
رده بندی دیویی :	۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی :	۱۹۴۴۴۱۱

مجموعه شعر

تماشا

علیرضا صفائی - ۱۳۶۷

ناشر: انتشارات تماشا

چاپ اول: ۱۳۸۹

چاپ: سپهر

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قطع: پالتویی

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۰۸-۱-۸

مرکز بخش:

قم، ابتدای خیابان چهارمردان، نبش پاساژ صاحب الزمان (عج)، انتشارات

زاهدی - ۲۲۷۶ ۷۷۳ ۰۲۵۱

مازندران، جویبار، خیابان شهید دهقان، انتشارات تماشا -

۲۹۹۰ ۳۲۳ ۰۱۲۴ - ۲۹۹۰ ۱۲۹ ۰۹۱۱

ای بستگان تن به تماشای جان روید
کآخر رسول گفت تماشا مبارک است

(مولوی)

بی گمان شعر آینه‌ای است که هر کس تصویر
خویش را در آن می‌نگرد و این تصاویر همه از
خودمانند نه از آینه. اوست که همه را می‌نماید غیر
از خود را و شاید برای تماشای آینه‌ها نیز باید آینه‌ای
ساخت اما این بار نه از جنس جیوه بلکه از ماه و
چشم و دریا!

روزگاری به رسم آینه‌سازی به سفر اندر شده بودم
تا مگر بیاموزم پیشه‌ی پیشینیانم را - از شمال تا جنوب
- روستا تا شهر - شنیدنی‌ها را شنیده و دیدنی‌ها را
دیده‌ام. درختان سر به فلک کشیده‌ی مازندران را و
ستارگان زخمی کویر دامغان را. در یکی از همین
سفرها بود که دیدارم به پیر سالخورده‌ی دامغان افتاد
کسی که به من شعر نه بلکه عشق را آموخت و یاد
داد که باید در لحظاتی از عمر به تماشا نشست چرا

که تماشا مبارک است و هنرمند دوربین نگاه خود
را ثابت نمی‌گذارد. اینجا اگر حکایت شمس و
مولوی نباشد بی‌دریغ الفاظ سر در گریبان‌اند و بر
نطح زبان رخس لغت تازیدن بسی دشوار! که از
دلدادگی خویش به او چه نویسم! و شاید ادب
اقتضا کند که از او نامی نیاورم!!!

به من معلم عشقم با زبان دل می‌گفت:

ادب آموز و تماشا کن جهان تماشایی ست هر چند
که در مملکت فردوسی و نظامی و سعدی چونان
جمله‌ی صله - لا محل لها للاعرایم - با این همه از
خیر صله گذشته و چشم طمع از بازار عکاذ شاعران
فرو هشته و تا اندک حوصله‌ای در اینای جنس
دیده؛ خامه از عطارد گرفته و از تما شایم نوشته‌ام.
در این راه کسانی به رسم مروت و آیین فتوت
یاری‌ام نموده‌اند که در میان آن کسان از نام آشنای
شعر آیینی، شاعر متعهد و مکتبی، جناب استاد محمد
علی مجاهدی (پروانه) و همچنین از ادیب دانشمند
و مربی دلسوز، جناب استاد محسن حسن‌زاده
لیله‌کوهی و سرور گرامی، محقق ارجمند جناب
استاد سید علی اصغر موسوی (سعا) و دیگر از

دوستی‌های برادرانه‌ی جناب آقای مسلم کامرانی
خالصانه متشکرم.

امید آن‌که اهالی شعر و شعور این مجموعه را به
دیده‌ی اغماض بنگرند و تماشا را به صفای جمعیت
خویش ببخشایند.

شهریورماه - ۱۳۸۸ خورشیدی

علیرضا صفائی

« هو الجمیل »

روند تکاملی شعر و بلوغ شعری نسل گذشته، بطبی و تدریجی بود و هر چه شاعر به نیمسالی و پیرسالی نزدیک تر می شد، به سختگی و به پختگی کلام او بیشتر افزوده می گردید.

یک شاعر جوان تا سال های سال در انجمن های ادبی حضور نمی یافت و از افاضات اساتید سخن بهره مند نمی گردید، سرده های بار محتوایی چندانی نمی یافت و به لحاظ شاکله ساختاری نیز از استحکام لازم برخوردار نمی شد توصیه اکید اهل سخن به شاعران جوان این بود که تا می توانند اشعار ماندگار سخنوران پر آوازه پارسی زبان را به خاطر بسپارند و همزمان با آن، در صحنه های رقابتی شاعران شرکت کنند و به استقبال آثاری بروند که در انجمن ها به عنوان « مطروحه » برگزیده می شد.

این تمرین های ادبی محاسی فراوانی داشت، چرا که هر شاعری از زاویه خاصی به مطروحه انجمن نگاه می گردد و غزلی را که در همان وزن و قافیه و

ردیف می ساخت، حاصل تلاش مبارکی بود که آن را در معرض نقد و داوری شاعران قرار می داد، و اگر ده نفر از اعضای انجمن به استقبال مطروحه می رفتند، در جلسه بعد سروده هایی را قرائت می کردند که به لحاظ ساختاری همگی از یک وزن و قافیه و ردیف به خصوصی در آفرینش آثار خود سود جسته بودند، و لذا کار نقد و داوری این آثار کار چندان دشواری نبود و در پایان جلسه مشخص بود که کدام یک از شاعران، پیروز این میدان بوده و گوی سبقت را از دیگران ربوده است؛ و گاهی مطروحه انجمن ها جنبه موضوعی داشت و شاعران در انتخاب قالب و وزن و قافیه و احیاناً ردیف آزاد بودند، ولی ناگزیر بودند که سروده های خود را در همان محدوده موضوعی سامان دهند. این تمرینات باعث می شد که شاعران در ساحت های متفاوتی طبع آزمایی کنند و به تدریج توانایی های لازم را به دست آورند.

در روزگار ما که زندگی ماشینی و کامپیوتری شرایط پیچیده خود را بر قشرهای مختلف جامعه خصوصاً نسل جوان تحمیل می کند - دیگر از آن فرصت ها و فراغت ها خبری نیست، نبض زندگی

تندتر می‌زند و گام‌ها تندتر و فراتر برداشته می‌شوند، و شاعر جوان که ناگزیرست حرکت کمال جویی خود را با این سرعت روز افزون هماهنگ سازد. مجبور می‌شود که تمام توانایی‌های غریزی و استعداد های ذوقی و هنری خود را به کار گیرد تا از کاروان پرشتاب زمان عقب نماند. در این جاست که برخی از شاعران جوان و حساس و پراحساس به نوعی از بلوغ هنری - که ما بلوغ شعری اش می‌نامیم - دست می‌یابند. و گاه در مرمیۀ آثار خود رگه‌های روشنی از خیال پردازی‌ها و تصویر سازی‌ها را مشاهده می‌کنند که حاکی از توانایی آنان در آفرینش آثار فاخر و به یاد ماندنی است.

اگر شاعران جوان در این مرحله حساس از تطوّر فکری و هنری، دچار غرور کاذب نشوند و این اندیشه غلط در آنان شکل نگیرد که به اوج بالنگی و شکوفایی نایل آمده‌اند و دیگر نیازی به مطالعه، حضور در نشست‌های ادبی و کارگاه‌های نقد ندارند، آینده بسیار روشنی در انتظار آن‌ها خواهد بود.

شاعر فاضل و دوستی داشتنی آقای علی رضا صفائی
با این که از حضور ایشان در جلسات هفتگی
(انجمن ادبی محیط) (انجمن هنرهای ادبی استان
قم) و سایر نهادهای ادبی - فرهنگی، زمان چندانی
نمی گذرد، به خاطر طبع سلیم و ذوق خدا داد و
اهتمام بلیغی که در فراگیری آرایه های لفظی و
معنوی و دیگر مقوله های مرتبط با ابعاد فنی شعر
دارند، این مسیر طولانی را با موفقیت پیموده و
اینک در آستانه یک تحول شگرف و بنیادین قرار
گرفته اند که اگر با فراست و درایت در این مسیر
خطیر و خطر زا گام بردارند، سروده های ایشان به
لحاظ کیفی و محتوایی و شاکله ساختاری به
درجه ای از رسایی و شویایی و گیرایی و زیبایی
خواهد رسید که از آثار فراهم آمده در این دفتر
کاملاً متمایز خواهد بود. متأسفانه تنگی مجال،
توفیق بررسی ناقدانه این مجموعه را از من گرفت
ولی با توفیق زود گذر، در میان آثار این دفتر ایات
رنگینی را مشاهده کردم که مضامینی بکر و تازه
داشتند و فضای حاکم بر سروده های عاشورایی
ایشان نیز غالباً از شور و شعور سرشار بودند.

در انتظار دفتر شعری دیگر از این شاعر متعهد و
صمیمی با آثاری به مراتب رنگین تر و دلنشین تر
خواهیم ماند.

بمنه و کرمه

محمد علی مجاهدی (پروانه)

تیرماه-۱۳۸۸